

یدالله رویایی (۵)

## روایوی در سایه همایونی

روایوی با ابراهیم گلستان آواز پمانی را در طبقه همکف خیابان ضلع شرقی دانشگاه تهران اجاره کردند و انتشارات «روزن» را مشترکاً راه انداختند تا جذب پوهلای دولتی، کنلهای روشنفکری چاپ کنند. در این ساختمان همچنین شهیای شعری برگزار می‌شد و احياناً نمایشگاههای نقاشی ترتیب می‌یافت.از آن جمله شب شعری که برای نادر نادرپور برگزار شد و نیز نمایشگاه آثار نقاشی یک ایتالیایی به نام «بیانکینی» که اخود راا در محافل روشنفکری و هنری جاگرده بود و حتی به خانه برخی از آنان رفت و آمد داشت.

در حوالی سال ۴۶– ۱۳۴۵ با حمایت دفتر فتح شعر و ادبیات و نقاشی هشتم مدرن ذهن زاده شد. روایوی به همراهی احمد شاملو با تجربه‌ای که از کتاب هته داشتندند جای یک هفته‌نامه پر تیرساز را خالی دیده بودند، پس هفته‌نامه‌ی «یام هارو» انتشار دادند و در آن به مطرح کردن مسائل هنر مدرن و ضرورت گزینش به مدرنیسم پرداختند. «هارو» ترکیبی از اول نام هنری احمد شاملو (بامداد) و

روایوی بود. این مجله با استفاده از امتیاز مجله «هنر و سینما»ی دکتر هوشنگ کلووسی درمی‌آمد. به هر ترتیب راهیابی که فرجه اراد کرده بود – و برقراری رفاقت با امثال ابراهیم گلستان باعث شدند تا روایوی به دربار نزدیک شود و با تأسیس دفتر فرح، به عنوان مشاور هنری در خدمت همسر دی نفوذ شاه در عرصه‌های فرهنگی درآید. در حالی‌که او در پیش از آن، جای پای خود را در دوایر دولتی محکم کرده‌به استفاده وزارت

داریاری درآمده بود. روایوی به جرگه مدیران این روز فاخته به شمار می‌رفت. بارها به عنوان ذی حساب و مدیرکل امور مالی به سازمان‌ها و ادارات مختلف مامور شد که اولین آن‌ها ذی حسایی و مدیرکل امور مالی بیمارستان فیروزگر بود و بعدها تا تصدی مشاغل

کلیدی در تلوزیون ملی تحت سرپرستی رضا قطبی پیش رفت.

در این مقطع بود که نقش و شخصیت اصلی روایوی در جذب و به خدمت گرفتن هنرمندان و روشنفکران با اهرم پول و امکانات آشکار می‌شود. روایوی تحت همین‌گونه حمایتها، در نوروز ۱۳۵۲ برای شرکت در کنگره نظامی به ایتالیا می‌رود. او خود منتجب از این انتخاب می‌گوید: «هموز نمی‌دانم چرژ من و شاملو در میان این هیئت بزر خورده بودیم. شاید به شناسش فرح که می‌خواست در هیئت نمایندگی ایران منظر مدرفی هم وجود نداشته باشد… قطبی مدیر تلوزیون که در آخرین لحظه‌های سال ۱۳۵۲ تالفن کرد که روایوی، در فرصت کمی که مانده در کنگره رم شرکت کن و یکی دو چهره دیگر هم با خود ببر» روایوی در نوشته‌های شرکت در کنگره گفته‌به شرح موقوف آن سفر نیز پرداخته است. «با شاملو برای شرکت در کنگره هفتاد و نه روز وقت بودیم. بهار ۱۳۵۴ بود. بعد از اتمام کار کنگره به پیشنهاد او هفتهای به گشت و گذار ماندیم. روزها و شبهائی ما به پرسه در کوچه‌های رم و باهرای ونیز، در کافه‌ها و یا در هتل، به مستی و بی‌خبری می‌گشت، پلاسی و پاسکی و آذوقه‌ای از تریاک و شیره تانک که در خود برده بودیم و مخدراتی دیگر، گاهی هم از نوع غلیش؛ با دلبرانی که چندان غمگین. در بازگشت به تهران، چند روز بعد مصاحبه مفصلی از احمد تاجدل و علیرضا مینیدی در روزنامه رسالتساخت، حکایت از سفری پرملال، بر از بیم و تعلل…»

عصری با این ابعاد شخصییتی، مشاور دفتر فرح شد و مأمور گردید جریانات شعری را به سمت این دفتر هدایت کند. به همین منظور جایزه‌های ملی برای اسرائیل قانون اساسی ندارد و مرزهای آن نامشخص است که این امر، به وضوح نشان دهندهٔ نیت توسعه‌طلبی و رسیدن به رؤیای از نیل تا فرات است و نیروهای موسوم به ارتش یهود، که بعداً ارتش اسرائیل نامیده شد، از ادغام چهار سازمان کاملاً تروریستی و بی‌رحم و مهاجم به وجود آمده است. این ارتش تروریست در ۱۹۴۸ – یعنی در همان نخستین سال تشکیل دولت اسرائیل – تمامی کشتن دیر یاسین را به قتل رساند؛ بعد از همین جنایت شرم‌آور و کشتن ۲۵۴ مرد و زن و کودک بی‌دفاع در دیر یاسین، بگین در کتاب خودش نوشت: «بدون پیروزی دیر یاسین، دولت اسرائیل وجود نمی‌داشت»

و باز در همین سال ۱۹۴۸، نیروهای ارتش، کشتار کاروان مرکز درمانی هنداسا را بر عهده گرفتند؛ پس از آن هم، ارتش اسرائیل کشتارهای وحشیانه و عملیات جنون‌آمیز خود را در اتوبوس مدرسه اوپویم و کیریات شومونا و معالوت و انتبه و خیابان ساحلی و صبرا و شتیتلا – با ۳۲۷۹ کشته – و جنین و روز سیچ و بیت حانون و قانا و حولا و بنت جنیل و یارین و عیترون و اوزاعی و راشیا و کونین و عدلون و عباسیه و سحمر و بت‌العبد و اقلیم‌الفتاح و دیرالزهرائی و انتفاضهٔ نفق و حتی در مدرسهٔ مذهبی اورشلیم و مسجداخلیائین و مسجداالاقصی، انجام داده و در ده‌ها مرکز متعلق به اعراب و مسلمانان، مذب‌گذاری کرده و صدها تن از رهبران گروه‌های معارض را با ترور از سر راه بر داشته است؛ وقوع این جنایت‌ها درحالی است که خود آن‌ها هم می‌دانند که فلسطینی‌ها و اعراب و مسلمانان، کوچک‌ترین دخالتی در خصوص هولوکاست و کشتار یهود توسط هیترل نداشت‌اند و در عین حال این همه کشته و جاپاول می‌شوند. رژیم اسرائیل تاکنون و در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ و ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲، هشت جنگ به راه انداخته و هزاران میلیارد دلار آسیب اقتصادی بر کشورهای مسلمان تحمیل کرده است و بزرگ‌ترین دوست و متحد آمریکا در منطقه است و چنان‌که می‌بینیم، دائماً کشورهای سوریه، عراق، لبنان، ایران و مصر را به جنگ تهدید می‌کند؛ اسرائیلی‌ها تاکنون ده‌ها هزار نفر عرب فلسطینی را به بهانهٔ «امنیت» کشته‌اند و هرسال ده‌ها هزار تن را در جریان بازجویی‌ها شکنجه می‌کنند؛ هزار روستای عرب‌نشین را ویران کرده‌اند و نود و پنج درصد از زمینهای اعراب را برای همیشه صاحب شده‌اند و فروش زمینهای مصادره شده به غیر یهودی، قانوناً ممنوع است. قوانین اسرائیل، نوعی قانون جنگل و بدون استثنا به سود یهودیان است و اعراب در هیچ موضوعی، از حق برابر با یهودی‌ها برخوردار نیستند و سیاست اسرائیل در فلسطین و لبنان و از آغاز تاکنون، یک سیاست یهودی – نازی بوده است؛ همچنین، استقرار کُلّی‌های تحت حمایت ارتش اسرائیل در مناطق اشغال شده، بنابر طبیعت خویش، جزئی از یک سیستم غصب، تبعیض و آپارتاید است و مسلّح‌کردن کُلّن‌ها، مداوم عملی که اشغال است و که تا تصرف تمام فلسطین و اخراج همهٔ اعراب ادامه خواهد یافت؛ در واقع از زمانی که ترنسل، تعریف نژادی یهودی را جایگزین تعریف مذهبی آن کرده است، این مطلب به صورت یک دکترین ثابت و مستمر درآمده است. در عین حال و با تمامی این مساوت‌ها و اقدامات ضد بشری، صهیونیسم همواره مترسک یهود ستیزی را نیز می‌چیناند تا با این ترفند، هم موجب ترساندن یهود و در نتیجهٔ

تسریع مهاجرت یهود به فلسطین شود و هم با طرح یک تهدید دائمی علیه اسرائیل، ضرورت یاری رساندن به آن را به حکومت‌ها و ملت‌ها بیاورد؛ند، تعریف یهودی – بنای صهیونیست‌ها بر این است که دائماً وضعیت را وارونه نشان دهندند: قربانیان را، تروریست و جلداد معرفی کنند و فلسطینیان را به عنوان تروریست، از تاریخ بیرون برانند. چنان‌که می‌بینیم اگرچه نظریهٔ هر تسل «لاادری» به تشکیل دولت اسرائیل، در فلسطین انجمنیهٔ همه‌ااز ترزائی انسانیت، از سال ۱۹۴۸ تاکنون، هیچ محصولی جز صدها هزار کشتهٔ بی‌دفاع و تجاوز و حبس و شکنجه و غصب و خسارت و ویرانی و افزایش روزافزون ظلم و توسعهٔ استعمار آمریکایی نداشته است و بنابراین، نظریهٔ «قوم هزار برتر» نازی‌ها و یکم صدها بار زشت‌تر از آن منتهی شده است. هرگز نباید با افروزش کلیم هم‌امروزه، رفعت از افکار هولوکاست و آرزوی تسلک از نیل تا فرات، به معنای پیوند با اسرائیل و تأیید آن است



بهترین کتاب شعر سال، در نظر گرفته شد که فرح پهلوی، خود در شمار داوران آن بود. روایوی پس از مدتی به سرپرستی کمیسون شعر و ترانه رادیو و تلوزیون منصوب شد، کمیسونی که تمام شعرها و ترانه‌ها را برای اجرا بررسی و تصویب میکرد. نادر نادرپور و سمین پهلپانی در شمار اعضای این کمیسون بودند. روایوی با نفوذ و اقتداری که در تلوزیون پیدا کرده بود، تمام افرادی را که از سبوی دفتر فرح و سازمان جشن هنر و افرادی مثل رضا قطبی، فرخ غفاری، فریدون هویدا و فیروز شیروانلو شکار و برای دریافت مقرری معرفی می‌شدند، زیر پر و بال می‌گرفت. فراوان است کمکهای بلاعوضی که به بسیاری از روشنفکرانمیان و کارگزاران فرهنگی رژیم امثال محمدعلی سلطو، علیرضا نوریزاده، نادر سیاسدار، اسماعیل نوری‌علا، جواد مجلی، محمدرضا فشاھی، کیومرث منشی‌زاده، فرح نوناش، مینا اسندی، منوچهر هزارخانی و مشهدی امیرشاهی تا توجه به اختیار نام روایوی پرداخت شد.

روایوی با همکاری دستگاه‌های فرهنگی رژیم پهلوی «جایزه کتاب شعر سال» را برگزار کرد. این جایزه به‌انکار تلوزیون ملی ایران بود. او در این‌دوره با برگزاری جشنواره‌های این چنین توسط دستگاه فرهنگی رژیم پهلوی نه تنها مخالف نبود بلکه خود در شمار برگزارکنندگان آن قرار گرفت. روایوی در پاسخ این پرسش که چرا ارگانی مانند تلوزیون بانئ جایزه شعر شده است؟ می‌گوید: «چرا که؟ هم تلوزیون و هم مراجع دیگر؟ شما می‌دانید که شهرداری پاریس هم در قلمرو هنرهای زیبا جایزه‌ای دارد که هر سال به نوبت به یک شاعر، نویسنده، مجسمه‌ساز داده می‌شود… پذیرفتن اینکه یک مرجع رسمی مثل تلوزیون که مسئولیت‌های فرهنگی و هنری

مهم دارد جایزه شعر بگذارد یک امر طبیعی باید به نظر بیاید.» او و بسیاری از همفکرانش در آن دوره از برگزاری «جایزه کتاب شعر سال» توسط دستگاه فرهنگی رژیم شاه حمایت کردند. روایوی در آن زمان در مصاحبه باشریه وابسته به تلوزیون ملی بر این نکته تأکید کرد که این ارگان (تلوزیون شاهنشاهی) به عنوان یکی از اصلی‌ترین دستگاه‌های فرهنگی رژیم پهلوی «هرگز قصد آن نداشته که به هیئت داوران تلقینی کند، و فرقهٔ آنکه روجه خاصی در شعر امروز به وجود آورد، ارزشهایی را به آنان دیکته کند.» با این حال، هم او سال‌ها

بعد، در دهه ۱۳۸۰ در مصاحبه‌ای به افشای دخالت‌های دستگاه‌های فرهنگی رژیم پهلوی و حتی شخص شاه در ادبیات پرداخت:

«در دوره پهلوی در خلق آثار هنری و ادبی و شعر دخالت می‌کنند، به عرض شاه می‌رسند، شاه دستور می‌دهد و دیکته می‌شود که شاعران چگونه شعر بگویند، دیکتاتوری»

وی همچنین در تارکد و تنظیم برنامه‌های جشن هنر شیراز سهم عمده داشت و عضو کمیتهٔ برگزاری این جشن بود. در واقع بخشی از بودجهٔ این جشن در اختیارش بود. در عرصه نقاشی هم، روایوی با توجه به اختیارات و امکانات مالی در میان نقاشان و کاری‌داران تهران نفوذ داشت و با بودجه‌ای که در اختیار داشت، اقدام به خریدهای خاص از میان آثار ارائه شده می‌کرد و به عنوان هدیهٔ تلوزیون ملی به دفتر فرح با نخست وزیر با وزرا و مقامات می‌فرستاد.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

### پاورقی

Research@kayhan.ir

بنی صدر و حکومت پهلوی :

ابوالحسن بنی صدر که از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد، پیش از انقلاب، مدتی کارمند مؤسسه تحقیقات اجتماعی زیر نظر احسان ترافی و دکتر هوشنگ نپاوندی- دو تن از مهره‌های رژیم شاه- بود. او در سال ۱۳۴۰، از سوی دولت اسرائیل بر ای شرکت در سمیناری به این کشور دعوت شد و در یازدهم دی ماه همین سال از ایران خارج شده در کنگره سازمان جهانی جوانان، در شهر حيفا شرکت کرد. در طی این سفر، مسئولین بخش همکاری های بین المللی وزارت امور خارجه اسرائیل، به بنی صدر پیشنهاد بورس تحصیلی کردند تا دوره فوق لیسانس اقتصاد را در دانشگاه های این کشور بگذراند؛ اما رسیدگی به این موضوع احتیاج به تأیید دولت ایران شد. بنابراین تصمیم نهایی اتخاذ نشد و بنی صدر به ایران بازگشت. <sup>۱</sup>

آیت الله صادق خلخالی در کتاب خاطراتش نقل می‌کند که بنی‌صدر، سرخاله ارشدیر زاهدی بود. ارشدیر زاهدی داماد شاه و اخرنی سفیر ایران در آمریکا در زمان شاه بود. البته پیش از آن وی مدتی وزیر امور خارجه بود. <sup>۲</sup>

بنی صدر در آذر ماه ۱۳۴۲ به منظور تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود به فرانسه رفت. این فرصت تحصیلی با مراجعه بنی صدر به امیرعباس هویدا- که در آن زمان وزیر دارایی حکومت شاه بود- امکان پذیر شد و منجر به اقامت ۱۵ساله بنی صدر در پاریس گردید. <sup>۳</sup>

**بنی صدر و سازمان سیا :**

بنیی صدر در سال ۱۳۵۷ از طریق فردی که با پوشش نمایندگی یک کمپانی تجاری آمریکایی یا او ارتباط گرفته بود، با سازمان سیا مرتبط شد. البته برخی از افراد تا توجه به سسواق وی، حدس می‌زدند که وی عامل اطلاعاتی آمریکا شده باشد؛ مانند دکتر جواد منصورى ، که طی مصاحبه‌ای با روزنامه ایران گفته است :

« هنگامی که در آبان سال ۱۳۵۷ در زندان بودم، به دوستانم گفتم که بنی‌صدر و قطب زاده و بزیدی عامل سیا هستند و سازمان سیا تصمیم دارد که اینها را اطراف امام بچیند که انقلاب را بدزدند. من این حرف را در زندان بر اساس شناخت تاریخی خودم از اینها زدم تا از روی سন্দ و مدرک- قضايا گذشت انصای شورای انقلاب، عده زایدی حیرت زده شده بودند. ما در این ایام هرچه گفتیم، کسی باور نکرد تا اینکه در خرداد ۵۸ سند جاسوسی اینها در اداره دوم ارتش بود. ما هم گفت که اسناد جاسوسی اینها در اداره ما هست، و بایبید تحویل بگیرید و به آقای خامنه ای بدهید؛ اما این نکته را مد نظر داشتند که اگر می‌آمدند و می‌گفتند که اینها جاسوس هستند، شورای انقلاب تماماً زیر سؤال می‌رفت. <sup>۴</sup>

**منصورى در جای دیگری می‌افزاید :**

« پرونده نسبتاً جیمیجی در اداره رکن دوم ارتش درباره جاسوسی بنی‌صدر وجود داشت ولی متأسفانه در آن مقطع کسی به این پرونده اعتناء نمی‌کرد. <sup>۵</sup> بنی صدر در سال ۱۳۵۷ با حقوق ماهیانه هزار دلار و با کد رمز "اس. دی. ۱۷۱" همکاری را با سازمان سیا آغاز کرد. ، یکی از مأمورین سیا در این مورد می‌نویسد :

« به من گفته شده بود که دولت آمریکا به طور اعم و "سیا" به طور اخص در نظر دارند اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که می‌توانند در انقلاب ایران نقشی داشته باشند، تماسی برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته "سیا" مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای آقامی بنی‌صدر تماس برقرار نماید… زمان این ملاقات اولیبه کمی قبل از مراجعت آیت الله خمینی به ایران است که ملاقات در فرانسه انجام شده بود. هدف نهایی ما به استخدام بنی صدر بود… در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه هزار دلار را بپذیرفت. » <sup>۶</sup>

در یکی از اسناد سترى سازمان سیا به تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، گفته شده که یکی از عوامل سیا در ایران به نام خسرو شفقایی با کد رمز "اس. دی. ارتقا" <sup>۷</sup>



روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

# سیا: بنی صدر عامل ما بود



« یکی از مأمورین سیا در این مورد می‌نویسد :»
**« به من گفته شده بود که دولت آمریکا به طور اعم و "سیا" به طور اخص در نظر دارند اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که می‌توانند در انقلاب ایران نقشی داشته باشند، تماسی برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته "سیا" مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای آقامی بنی‌صدر تماس برقرار نماید… زمان این ملاقات اولیبه کمی قبل از مراجعت آیت الله خمینی به ایران است که ملاقات در فرانسه انجام شده بود. هدف نهایی ما به استخدام در آوردن بنی صدر بود… در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه هزار دلار را بپذیرفت. »** <sup>۸</sup>

در ملاقاتی که با "تام اهرن" رئیس پایگاه سیا در تهران داشته می‌گوید که اگر تا به حال با بنی صدر تماس نگرفته‌اید، حتماً با او تماس بگیرید. قسقیایی با اصرار می‌گوید که بنی صدر به فرانسه رفته و با آقای بنی‌صدر تماس برقرار نماید… زمان این ملاقات اولیبه کمی قبل از مراجعت آیت الله خمینی به ایران است که ملاقات در فرانسه انجام شده بود. هدف نهایی ما به استخدام بنی صدر بود… در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمپانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه هزار دلار را بپذیرفت. » <sup>۹</sup>

طبق یک گزارش سترى سازمان سیا به تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۸، یکی از مأمورین سیا با نام مستعار راتفورد، با بنی صدر در تاریخ ۱۲ شهریور ملاقات می‌کند. بنی صدر که از جلسه مجلس خبرگان قانون اساسی بیرون آمده بود، به

صنحه ۶
**چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳**
**۲۱ ذیحده ۱۴۳۵ – شماره ۲۰۸۷۵**

مدت دو ساعت با راتفورد به گفت و گو می‌پردازد. وی در این ملاقات مطالبی درباره دولت بازرگان، ششورای انقلاب، دادستانی انقلاب و کمیته های انقلاب اسلامی را در اختیار راتفورد قرار می‌دهد. <sup>۱۰</sup>

فردی می‌دانند که ممکن است در آینده علیه جمهوری اسلامی توطئه کند : « چون او یک توطئه گر کینه کار است. اگر احساس کند که رژیم از اهداف انقلابی خود دور می‌شود یا اینکه به نفع خودش خواهد بود، ممکن است در آینده برای توطئه علیه رژیم مانی سر راه خود نیببند. اگر چه او احتمالاً در حال حاضر هیچ مشکل مالی ندارد، اما باید

حاضر شدن روابط مخفیانه اش با ما، احتمالاً به زندگی حرفه ای سیاسی فرد مزبور خاتمه خواهد داد. یقین است که او این نکته را از نظر دور نخواهد داشت. <sup>۱۱</sup>

پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ابوالحسن بنی صدر – که در آن هنگام سرپرست وزارت امور خارجه بود – از بیم افشای روابط پنهانی خود با آمریکایی ها، با این اقدام دانشجویان مخالفت کرده و با رفتن به سفارت آمریکا از دانشجویان می‌خواهد که گروهان های آمریکایی را رها کنند و از سفارت نیز خارج شوند. <sup>۱۱</sup>

پس از شکست عملیات طیس و فرار نیروهای آمریکایی از صحرای طیس، چند هلی کوپتر سالم بر جای می‌ماند که مقداری سلاح و مهمات و اسناد سترى مربوط به عملیات را در آنها برجای مانده بود. تعدادی از پاسداران سپاه یزده به فرماندهی محمد منتظر قائم که به منطقه مربوطه رسیده بودند، شروع به جمع آوری اسناد و مدارک و سلاح های موجود در هلی کوپترها می‌کنند. ساعت ۶ بعد از ظهر، رادیو صوابی آمریکا اعلام می‌کند که درون هلی کوپترها اسناد مهمی باقی مانده است. بنی ساعت سی از اعلام این خبر، بنی صدر که می‌ترسید اسناد

همکاری برخی خائنن داخلی با نیروهای متجاوز آمریکایی افشاء شود، دستور می‌دهد تا هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی با بمباران و گلوله‌باران منطقه، مانع از بردن اسناد و مدارک شوند. این اقدامات منجر به شهادت محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه یزد می‌شود. <sup>۱۲</sup>

پس از این حادثه وقتی خبرنگاران از بنی صدر می‌پرسند که چرا دستور بمباران هلی کوپترها را داده است، پاسخ می‌دهد که برای اینکه هلی کوپترها از کار بیفتند و توانند از کشور خارج شوند! <sup>۱۳</sup>

سرهنگ باقری فرمانده نیروی هوایی که به دستور بنی صدر هلی کوپترها را بمباران کرد، از مخالفین انقلاب و وابستگان به آمریکا بود. وی بعدها دستگیر و محاکمه و سپس اعدام شد. <sup>۱۴</sup> در تیزر ماه ۱۳۵۹ نیز که کودتای طراحی شده توسط سازمان سیا- معروف به کودتای نوزه- توسط دستگاه های اطلاعاتی کشور کشف و خفی شد و اغلب کودتاچیان نیز دستگیر و محاکمه شدند، بنی صدر دستور داد تا ۵۱ نفر از کسانی که در رابطه با کودتا در اهواز دستگیر شده بودند، آزاد شوند! <sup>۱۵</sup> یکی دیگر از خیانت های بنی صدر، خارج کردن اسناد مربوط به آمریکا و متحدینش از کشور بود جواد منصورى معاون سابق وزارت امور خارجه، طی مصاحبه ای از نقش بنی صدر رئیس جمهور- بنی صدر- از کشور خارج شدند. بخش عمده ای از این اسناد مربوط به روابط ایران با اسرائیل و انگلیس و آمریکا در زمان پهلوی بود و تا آنجایی که اطلاع داریم، این اسناد ابتدا به بلژیک فرستاده شد. اسرائیل چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تمام اسناد خود را ساواک از کشور خارج کرده بود اما چون پیروزی انقلاب اسلامی به این سرعت را پیش بینی نمی‌کرد و همچنین احتمال نمی‌داد که اسنادی در وزارت خارجه باقی مانده باشد، این اسناد را نتوانسته بود از وزارت خارجه بیرون ببرد؛ اما متأسفانه در زمان بنی صدر و با همکاری وی این اسناد از کشور خارج شد. <sup>۱۶</sup>

منابع در دفتر روزنامه موجود است

**\* رژیم اسرائیل تاکنون و در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲، هشت جنگ به راه انداخته و هزاران میلیارد دلار آسیب اقتصادی بر کشورهای مسلمان تحمیل کرده است. و بزرگ‌ترین دوست و متحد آمریکا در منطقه است.**



و انتقال آن به روسیّه بود که در شمال ایران، کمبود شدید به وجود آمد و در سال ۱۳۲۱ شمسی، دو میلیون ایرانی از بین رفتند و قباایع فراوانی به وسیلهٔ اشغالگران صورت گرفت و فراموش نمی‌کنند که همین چرچیل و روزولت بودند که محمدرضا پهلوی را به سلطنت رساندند و موجب ۳۸ سال ظلم و فساد در کشور ما شدند. صهیونیست‌ها با متمرکز کردن تبلیغ که هیچ یک از این جنایتکاران بهتر و نابزتری، نه تنها نگذاشتند که هیچ یک از این جنایتکاران و عاملان پُر تلافات‌ترین جنگ تاریخ، مجازات شوند بلکه کاری کردند که به همین جنایتکاران جنگی، حتی به چشم قهرمان و مُنجی و مُصلح نگریسته شود چنان‌که در سال ۱۹۴۰ و در بحبوحهٔ جنگ جهانی دوم، مجلهٔ تامپ، چرچیل، یعنی حامی و متحد جامعهٔ یهود را به عنوان مرد سال انتخاب کرد؛ و مگر نه اینکه منشور آتلانتیک در سال ۱۹۴۱ به پیشنهاد مشترک چرچیل و روزولت با هدف «ایجاد صلح جهانی» به وجود آمد و مگر نه این است که سازمان ملل یا نخستین مجموعه برای «حفظ صلح جهانی» به براساس تلاش مستقیم روزولت، در ژوئن ۱۹۴۵ با سفرانسانیسکو به تصویب رسید؛ و مگر نمی‌دانیم که اسرائیلی‌ها و سازمان ملل تاکنون، همهٔ تلاش خود را برای حمایت و دفاع از دولت اسرائیل و یهودیهای مظلوم، به کار برده‌اند؟!

بنما بر آنچه گفتیم، تاریخ صهیونیسم سیاسی، یک تاریخ جعلی، استعماری و ناسیونالیستی است و بی‌توجهی و سکوت کنونی جامعهٔ جهانی نسبت به جنایات دولت اسرائیل در فلسطین، یک فاجعه هولناک بشری است و از این رو، افشای هولوکاست و جنایات صهیونیست‌ها و حامیان آن‌ها و نتایج سهمگین و رو به افزایش آن، نه تنها یک بحث خاتمه یافتهٔ تاریخی نیست بلکه اتفاقاً خواب بسیاری از مردم جهان و نزدیک به دو میلیارد مسلمان غفلت‌زدهٔ بی‌درد، کمال ضرورت را دارد.

**\* تاریخ صهیونیسم سیاسی، یک تاریخ جعلی، استعماری و ناسیونالیستی است و بی‌توجهی و سکوت کنونی جامعهٔ جهانی نسبت به جنایات دولت اسرائیل در فلسطین، یک فاجعه هولناک بشری است و از این رو، افشای هولوکاست و جنایات صهیونیست‌ها و حامیان آن‌ها و نتایج سهمگین و رو به افزایش آن، نه تنها یک بحث خاتمه یافتهٔ تاریخی نیست بلکه اتفاقاً خواب بسیاری از مردم جهان و نزدیک به دو میلیارد مسلمان غفلت‌زدهٔ بی‌درد، کمال ضرورت را دارد.**

**\* کاملاً معلوم است که دولت اسرائیل و قرائت صهیونیستی از تورات، کوچک‌ترین نسبتی با مفاهیم دینی ندارد و چنین بوده که خود، اکنون به بزرگ‌ترین دشمن اسلام و مسیحیت بدل شده است و اساساً محال بود که از کتاب هر تسلف «لاادری» و از میان – به قول کارودی – «شوم‌ترین ایدهٔ تاریخ» و از بطن یک برنامۀ سراپا استعماری و سیاسی و ناسیونالیستی و نقشه‌های انگلیس استعمارگر و ارتش تشکیل شده از چهار گروه تروریستی، چیزی از سنخ دین و اخلاق و انسانیت بیرون بیاید!**

۲۷ میلیون روسی را به مرتبهٔ دوم اهمیت، تنزل دهند و عجیب آنکه همین دروغها، مهم‌ترین مستمسک صهیونیست‌ها برای غصب فلسطین، به عنوان لزوم اسکان یهودیان در یک سرزمین بی‌طرف و خارج از محل درگیری اروپایی‌ها و پیشگیری از وقوع حوادث مشابه قرار گرفت و به شدت هم مؤثر افتاد.

سوم آنکه صهیونیست‌ها با سروصدا و تبلیغات گسترده‌ای که به راه انداختند، اذهان جهانیان را منحصر و معطوف به جنایات هیترل کردند درحالی که مسلماً می‌بایست استایلر و چرچیل و ترومن هم، به خاطر مشارکت در عمرک‌های که صدها ها هزاران کیلومتر دورتر از کشورشان بر پا شد، در کنار گورینگ و دارودستاش، روی نیتکت جنایتکاران جنگی نشانده می‌شدند تا هر یک پاسخگوی جنایاتی باشند که در جنگ و با بمباران آنها و مناطق غیرنظامی و همچنین در کشور خویش انجام داده‌اند. ما با تبلیغات هیترل و غلم کردن «ناتق کار» همهٔ این جنایتکاران، گریزگاه نامنتزبی یافتند تا

و اینبار اتمی هیروشیما و ناکازاکی را صادر کرد که ۳۵۰٬۰۰۰